

بسم الله الرحمن الرحيم

آذربایجان از عهد باستان
تا گوندگونی فرهنگ
و زبان آن

مؤلف:

دکتر حیدر پیرعلیلو

سرشناسه	پیرعلیلو سهرن، حیدر، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	آذربایجان از عهد باستان تا گونه‌گونی فرهنگ و زبان آن / مؤلف حیدر پیرعلیلو
مشخصات نشر	تبریز: انتشارات پژوهش‌های دانشگاه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۲۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۸۳-۱۷۰-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	آذربایجان -- تاریخ
موضوع	Azerbaijan (Iran) -- History
موضوع	آذربایجان
موضوع	Azerbaijan (Iran)
شناسه افزوده	انتشارات پژوهش‌های دانشگاه
شناسه افزوده	University Press Publications
رده بندی کنگره	DSR۲۰۰۱/۳۰۹ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	۹۵۵/۳
شماره کتابشناسی ملی	۵۵۳۷۳۸۲

عنوان کتاب: ----- آذربایجان از عهد باستان تا گونه‌گونی فرهنگ و زبان آن

تالیف: ----- میدر پیرعلیلو

ناشر: ----- انتشارات پژوهش‌های دانشگاه

طراز روی جلد: -----

پاپ و مصافی: ----- مدیران

تیراژ: ----- ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: ----- اول/ ۱۳۹۸

شابک: ----- ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۳-۱۷۰-۳

قیمت: ----- ۱۸۰۰۰ تومان



انتشارات پژوهش‌های دانشگاه

عضو رسمی انجمن ناشران دانشگاهی



آدرس دفتر مرکزی: آذربایجان شرقی، تبریز، آبرسان، مجتمع تجاری بلور، روبروی کلاتری، داخل حیاط (ضلع شرقی)، پلاک ۳۹
 تلفن‌های تماس بخش مدیریت: ۰۹۱۴۶۱۴۳۳۴۶/۰۴۱۳۲۲۶۲۱۱۶ بخش امور فنی: ۰۴۱۳۳۲۵۰۲۴۸
 دفتر اهر: شهرستان اهر - میدان معلم - روبروی دارایی - انتشارات پژوهش‌های دانشگاه / دفتر اهر تلفن: ۰۹۳۰۸۱۴۸۴۸۶
 مرکز بخش: آذربایجان شرقی، تبریز، خیابان امام، روبروی سه راه طالقانی، انتشارات شایسته تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۶۱۹۶۱
www.Unpb.org / Info@unpb.org www.Pajoohesh-daneshgah.ir / Info@pajoohesh-daneshgah.ir

طبق قانون حمایت از حقوق ناشران و مولفان هر شخص حقیقی و حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر و مؤلف، نشر یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید مورد پیگیری جدی قانونی خواهد گرفت و مطابق با جرائم قوانین اسلامی برخورد خواهد شد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	تقدیم به مادر م گل نساء فرج‌زاده ایری‌علیا:
۷	مقدمه: پیرامون سابقه نژادی و فرهنگی منطقه آذربایجان
۴۸	آذربادگان قبل از اسلام
۵۸	آذربایجان؛ از تسلط حاکمان مسلمان تا تشکیل دولت‌های نیمه مستقل
۷۱	آذربایجان از ساجیان تا سالاریان و سلجوقیان (۳۷۰-۳۲۶) هـ
۷۹	شدادیان ارمن (گنجه)
۸۵	یزیدیان شروان هاشمیان باب‌الابواب
۹۵	ادامه تحول اجتماعی در آذربایجان تا ورود سلجوقیان به ایران
۱۰۶	تغییرات در حکومت‌های عربی و رومی (ملوک الطوائفی) در آذربایجان تا برآمدن صفویه
۱۱۱	آذربایجان از صفویه تا قاجار (عردنامه نای گلستان و ترکمانچای عامل تجزیه بخشی از سرزمینهای ایرانی)
۱۱۷	آذربایجان و نقش آفرینی سیاسی در تحول از سلطنت به جمهوریت
۱۲۱	قصیده شهریار معروف (به پیشگاه آذربایجان عزیزم)
۱۲۳	شعری از مولف در بیان عظمت آذربایجان
۱۲۹	تصاویر
۱۴۰	فهرست منابع

«والذین اذا ذکرُوا بایات ربهم لم یخروا علیها صُمًّا و غَمِیَانًا»

کمال یافتگان واقعی کسانی هستند که وقتی پیامی را (پیام‌های الهی) می‌شنوند چشم و گوش بسته از آن اطاعت نمی‌کنند، بلکه از روی تحقیق آن را می‌پذیرند.

(قرآن / فرقان/ ۷۳)

مقدمه

سخنی با خاندانگان عزیز پیرامون سابقه نژادی و فرهنگی منطقه آذربایجان:

امروزه به همه مردم ایران روشن و آشکار است که وجود گویش ترکی آذری در منطقه وسیعی از شمال غرب کشور بزرگ ایران، موضوعی مسلم و قطعی است و این نیز واضح است که مردمان بزرگ، ایران دوست و حافظ مرزهای کشور، در این خطه، همواره بر تارک دفاع از ارمان می‌کشورمان درخشیده‌اند؛ بطور مثال: صفوی‌ها بودند که حق عظیمی برگردن همه ایرانیان دارند آنها بودند که مکتب عالی تشیع را در سرتاسر ایران بزرگ گسترانیدند و این امتداد نیز از آن‌ها آذربایجانی‌ها است.^۱ همچنین نادر افشار، که اصالتاً فرزند آذربایجان و از قبیله افشار است که این قبیله از مقابل حملات چنگیز از ترکستان گریخته و به آذربایجان مهاجرت کرده و بعداً دوباره به نواحی شمال شرقی ایران رفته‌اند، کسی است که ایران بزرگ را از تجاوز افغان و عثمانی رها ساخت. در سده‌های اخیر هم خطه آذربایجان همواره رآزادیخواهی و

^۱ چنانکه شاه عباس اول در سال ۱۰۱۴ قمری (۱۶۰۵م) با تدارک جنگی سخت و تحمل سختی‌ها مناطق اشغال شده آذربایجان یعنی تبریز و شهرهای اران (قفقاز)، یعنی نخجوان و ایروان و گنجه و تفلیس را از امپراطوری عثمانی باز پس گرفته و حاکمیت تاریخی ایران را بر این نواحی ثابت کرد. (تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه آرام،

آزادسازی ایران از بند استعمار بوده است که نمونه‌های بارز آنها ثقة‌الاسلام تبریزی، شیخ محمدخیابانی، ستارخان و باقرخان هستند.

در بُعد فرهنگی نیز بزرگان علمی کشور، همواره از این خطه، برای فرهنگ ایران افتخارها آفریده‌اند: فضولی^{*}، نسیمی شیروانی، همام تبریزی، خاقانی شیروانی، نظامی گنجه‌ای، قطران تبریزی، نباتی اهری، شهاب‌الدین اهری، صراف تبریزی و سرانجام شهریار هم از این سرزمین، فرهنگ اصیل ایرانی را غنا بخشیده‌اند. همچنان که بسیاری از اسدان بنام امروزی هم به این سرزمین منسوب هستند. با تمام این افتخارات امروزه و جری این نوع از گویش در این نقطه از ایران یک واقعیت غیرقابل انکار است که در سطح فرهنگ ایرانی خدمات بسیار ارزنده علمی برای عرضه فرهنگ و هنر ایران به نمایش گذاشته و دوشادوش تمام ایرانیان در پیشبرد اهداف ملی و آرمانی سرافزاری آفریده است. چنانکه علامه طباطبائی (ره) (م ۱۳۶۰ ش) با تربیت هزاران شاگرد، غول ماتریالیسم را در رسم شکست. علامه جعفری (ره) (م ۱۳۷۶ ش) از

* درباره نسب فضولی باید گفت که وی آذربایجانی، اهل قره‌غور از قبیله بیات است که این قبیله بر اثر فشار قوم جغتای چنگیزی از روستای خلف انصار ورزقان مجبور به مهاجرت به عراق شده‌اند که این روستا بنام یکی از سرداران قره‌قویونلوها نامیده شده است که بعد از مهاجرت از آذربایجان، در بغداد در حمایت حاکم محلی آنجا ابراهیم خان زندگی می‌کردند. اما چون سلطان سلیمان قانونی بغداد را تسخیر کرد، آنها مجدداً به حله متواری شده ساکن کربلا شده‌اند.

از خود وی اشاره‌ای به نسبش نشده است اما از ترکی موجود در دیوانش فهمیده می‌شود که همان ترکی رایج در آذربایجان است علاوه که از دیوانش فارسی‌اش نیز فهمیده می‌شود که او باید ایرانی باشد تا فارسی را به آن زیبایی برساند. و معلوم است که این ایرانیان ترک زبان هستند که به فارسی نیز شعر می‌گویند والا ایرانیان فارس زبان به ترکی شعر نگفته‌اند. آذربایجانی بودن او را ضمناً از علاقه شدیدش به تبریز می‌توان فهمید که در شعری می‌گوید:

بغداد را نخواست فضولی مگر دلت کاهنگ عیش خانه تبریز کرده‌ای

(فضولی، دیوان فارسی، ۲۷۸، چاپ یاران تبریز، ۱۳۷۸ ش) و صادق بیگ افشار، تذکره مجمع الخواص، ۱۰۳.

ترجمه دکتر عبدالرسول خیام‌پور، تبریز، چاپخانه اختر شمال، ۱۳۲۷ شمسی و محدث، تاریخ قزلباش‌ها، ص ۴۰.



دیگر فرزندان این خطه، بیان علمی علامه طباطبائی (ره) را غنا داد و علامه امینی (ره) (م ۱۳۴۹ ش) سومین فرزند این سرزمین، هویت تشیع را به عرصه بروز و ظهور رسانید، آنان بودند که ایران عزیز را از نظر فرهنگی در برابر هجوم ماتریالیسم مصونیت بخشیدند، و امروزه نیز مردم این بخش از ایران در بالاترین و برترین مناصب و زندهای سنگین در عرصه های اجتماعی و سیاسی به شمار می آیند.

پس بجاست که با ژرف اندیشی در هویت اصیل خویش، بی آنکه شیرین ترین لهجه خود را به فراموشی بسپاریم، در تدارک جذب ایرانیان تجزیه شده ای باشیم که هزاران سال از قدمت تمدن بشری در یک سرزمین و با نام ایرانی زیسته ایم.

هر کسی که دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

(مثنوی)

این نیز معلوم است که ایران، اما چهارراه خاکی جهان به شرق و غرب بوده و در هر دوره، با ریزش اقوام و سکونت آنها مواجه بوده است. و بر همین اساس هزاران خانوار فارس، مغول، عرب و ترک در این سرزمین ماندگاری پیدا کرده و جزو ملت این سرزمین به حساب آمده اند. پس با این فرض کسی در ایران با این جغرافیای قومی، نمی تواند ادعا بکند که نژادی خالص دارد چرا که فقط در کشورهای گویا، گوشه های جغرافیایی جهان مثل چین، اندونزی، فنلاند و شیلی قرار دارند، می توان سراغ نژاد خالص رفت که مسیر مهاجرت اقوام نبوده اند، در این راستا، امروزه دولت کانادا با دو گویش انگلیسی، فرانسوی بلژیک با دو گویش فرانسوی و بلژیکی، اتریش با چهار زبان آلمانی، ایتالیایی، فرانسوی و اتریشی - هند با ۱۰۹ زبان متفاوت با زبان ملی هندویی - چین با زبانهای مغولی، ترکی، تبتی و چینی، روسیه با زبانهای روسی و تاتاری و ترکی، عراق با زبانهای ترکی، کردی و عربی، سوریه با زبانهای کردی، عربی، ترکیه با زبانهای کردی و ترکی و ارمنی، افغانستان با زبانهای ترکی، پشتو و فارسی،

پاکستان با اردو و پشتو، ازبکستان با دو زبان ترکی و فارسی، اندونزی با سیمد زبان متفاوت با مرکزیت زبان ماله، مالزی با دو زبان چینی و مالزیایی، لیبی، موریتانی، تونس و الجزایر و مراکش با دو زبان عربی و بربری، نیجریه با زبانهای یوروبا، ایو و فولانی و آمریکا با زبانهای متفاوت با محوریت زبان انگلیسی و نژادهای مختلفی که این دولت‌ها دارند، یک ملیت را تشکیل داده و در حوزه جغرافیایی یک کشور زندگی می‌کند.^۱ در نتیجه باید دانست، حرکت‌های قومی با عنوان پان^۲ و شوونیسیم^۳ زائیده انار سندروانه است، چنانکه اگر این مساله مشکل را حل می‌کرد، چرا کشورهای هم‌زبان دنیا در آسیا و اروپای شرقی و غربی، امریکای شمالی و جنوبی و عرب‌ها و بربرها در شمال آفریقا یک واحد سیاسی نشده‌اند. بنابراین ضرورت دارد که در شناساندن بیش از پیش از پسران طراز افغانی، نظامی، همام تبریزی، شیخ محمود شبستری، شهریار، عباس دهخوارقانی، عباس توپچه‌ای و خسته قاسم تیکمه داشی و قربانی ایریلو برای مردم ایران، به خصوص مبتلا آذربایجان اهتمام ورزیده شود که خود در استحکام همبستگی ملی بسیار موثر است.

شناخت پیشینه فرهنگی در آذربایجان خود بهرین راه ایجاد اتحاد ملی است. چرا که نشان از یکنواختی فرهنگی این خطه با ایران بزرگ است. تا در گیرودار افراط و تفریط پانی و شوونیسیم فرزندان ما در آشوب فکری ایجد شده و پیت‌خویش را از

۱. تمثیلی از بیت: (همدلی از هم زبانی خوش تر است- پس زبان همدلی خود دیگر است).

۲. کلمه انگلیسی **pan** به معنی اتحاد سیاسی اقوام هم‌زبان در دنیاست.

۳. کلمه انگلیسی **chauvinism** به معنی برتری جوئی افراطی یک فرهنگ بر تمامی فرهنگ هاست.

۴. هرگونه حس قوم گرایی خارج از منطق اسلام و مرام علوی است چنانکه علی (ع) حمایت صرفاً ناسیونالیستی ابوسفیان و عمویش عباس و پسرعمویش عتبه بن ابولهب از حق خلافت خود را رد کردند و اگر می‌خواستند می‌توانستند به توسط این نوع ادعاها بر ابوبکر و عمر پیروز شوند (تاریخ، یعقوبی، ج ۲- ۵- ۵۲۴).

*. متأسفانه علیرغم اینکه فضولی و نسیمی اشعار فارسی نیز سروده‌اند و از شعرای معروف شیعه هستند که با اشعار خود در راه ترویج آن تلاش زیادی کرده‌اند، اما در تاریخ ادبیات ایران هیچ نامی از آنها برده نمی‌شود.

دست ندهند. و از زندگی سعادتمند در ایران بزرگ که یاد و نام آن با خون ما عجین گشته، محروم نشوند. چرا که نه شعارهای افراطی علاج این درد است و نه برخوردهای قضایی و امنیتی، باید کار فرهنگی متناسب با موضوع انجام داد. و اینکه دو عامل نژاد و دین (مذهب) مشترک در اتحاد و یکپارچگی ملی مهمتر از عامل زبان می باشد، چنانکه هم اکنون علاقه به مکتب شیعه می تواند زمینه همبستگی بیشتر جمهوری آذربایجان فعلی با ایران شیعی را فراهم آورد و فرق زبانی مناطق آذری زبان با ایران شیعه را تحت اشعاع خود قرار دهد. امروزه ثابت شده است که نقش مذهب در ایجاد وحدت بالاتر از احساسات ناسیونالیستی و قومی است.

در این رابطه اگرچه عده ای در بررسیهای جدید ریشه زبان ترکی را النصاقی، و برگرفته از تمدن سومری و ناحیه عراق کنونی میان دو رودخانه دجله و فرات (بین النهرین) می دانند که ده هزار سال قبل و این تمدن بشری را وجود آوردند. اما این احتمال است و هر احتمالی قابل رد و اثبات است. چرا که این مسائل صرفاً در قالب تحلیل از یافته های باستان شناسی بیان می شود. اما این که ترکان مثل سایر قومها هزاران سال قبل از بین النهرین یعنی زادگاه اولیه همه انسانها و تمدنها به شرق دور کوچ کرده اند، موضوعی مستند است چرا که همه اقوام در گذشته های دور یعنی حدود هفت هزار سال قبل از همدیگر منشعب شده اند چنانکه در تاریخ قدیم فرزندان یافث پسر نوح بودند که از بین النهرین به شرق دور کوچیده و جمعیت آنان و چینی ها به این شخص بر می گردد.

بر همین اساس دسته دسته شدن انسانها و تبدیل به قومیت های متمایز و دولتهای جداگانه، خود از سنت های الهی است که باعث می شود قومیت ها همدیگر را بهتر

بشناسند.^۱ اختلاف در رنگ و زبان نیز آنچنانکه از قرآن بر می آید، برآیند اراده خداوندی است.^۲ از این جهت همه قومیها و همه زبانها محترم‌اند چنانچه پیغمبر اسلام (ص) و علی (ع) هیچ تفاوتی میان سلمان فارسی و بلال حبشی و صهیب رومی با یک عرب قائل نبودند.^۳

توضیح نکته ای ضروری است و آن اینکه تاریخ را باید به حق تاریخ بررسی نمود و بقولی بررسیهای تاریخی بیشتر از اینکه جنبه مجادلات کلامی داشته باشد، باید تاریخی باشد. در این میان ترکان نیز مثل اقوام مهاجر در مهاجرت خود قبل از آریاییها در مسیر مهاجرت‌شان و سرزمینهای اصلی‌شان به آذربایجان به حوزه متصرفاتی وارد شده‌اند که آریائی‌ها و ساسانیان آن را تشکیل داده بودند، همچنان که فارسهای سامانی حکومت سامانیان را در بالای تشکیل دادند که آن سرزمین مقر اجداد ترکان بود یعنی

۱. اخبار الطوال، دینوری، ۲۷ و آیه: «یا ایها الناس انا خلقناکم من نساء و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتفاقاً» (حجرات/ ۱۳).

۲. و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف الستکم و الوانکم ان فی ذلک آیات للعالمین. (روم/ ۲۲)

۳. المعارف، دینوری، ۱۵۱. با این وصف ترک‌ها باید پیغمبری هم داشتند چرا که بصیرت یک قوم زندگی می‌کردند و عدالت الهی ایجاب می‌کند که هر قومی پیغمبری به زبان خود داشته باشد. چنانچه قرآن در سوره ابراهیم آیه ۴ می‌فرماید: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم» و نفرستادیم هیچ پیغمبری مگر به زبان قوم خودش، تا پیام دین را به آنها روشن کند. اما متأسفانه در تاریخ ادیان هیچ گزارشی از این مسأله نداریم هرچند احتمال مطابقت اصحاب‌الرأس آمده در قرآن با مردمان ساکن در کنار رود ارس می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد که طبق روایتی از امام علی (ع) آنها ایرانی‌الاصل بودند و در زمانی بعد از پادشاهی سلیمان (ع) و قبل از ظهور زردشت در کنار رود ارس (ارس) می‌زیسته‌اند که پیغمبر خود را که با نام غیر مشخص اما از فرزندان حضرت یعقوب (ع) بود با کندن چاهی کشتند. (و عَادُوا وَ ثَمُوداً و اصحاب الرس و قرونأ بین ذلک کثیراً» (قرآن، فرقان، ۳۸) و عیون اخبار الرضا (ع)، ۱، ۴۲۸-۴۱۸، صدوق، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۰ شمسی.



سمرقند و بخارا* و بر همین اساس هم مثل سلجوقیان و غزنویان و حکومت‌های ترک تبار که در میان ایرانیان فارس هضم شدند، آنها هم در میان ترکان هضم شدند. اما باید دانست که هر قومی به مدت چهارنسل در یک کشوری ماندگاری پیدا کرد، جزو ملت آن سرزمین محسوب می‌شود که این قانون درباره مادها - پارس‌ها و دیگر اقوام نیز که قبلاً وارد ایران شده‌اند، صادق است. افزون بر این در زمان‌های قدیم مگر یک قوم چقدر می‌توانست بسعت جغرافیایی داشته باشد. مادها، هخامنشی‌ها، اشکانی‌ها و ساسانیها نه در چهار سلسله نژاد یکسان آریائی داشتند، با قدرت طایفه‌ای خود دیگر قومها را در سرزمین ایران تابع خود می‌کردند و این مسئله به این معنا نبود که تمام مردم واقع در سرزمینی که ایران نامیده می‌شد، نژاد آریایی و فارس داشتند. چنانکه قوم گیله در گیلان، قوم ماری در مازندران و قزوینی‌ها همه تحت عنوان کاسپین و کاشانی‌ها بنام قوم کاشی، سکاهای پارس، ایلامی‌ها در ایلام و کادوسی‌ها، لولوبی‌ها و مانثائی‌ها در آذربایجان، هیچ کدام نژاد پارس نداشتند.

بر این اساس تحلیل بر این است که ترکان نسبت به مادها و فارس‌ها در منطقه شرق ایران زودتر ظاهر شده‌اند. چرا که ترکان و تمام ملت‌های شرق از نظر نژادی وابسته به ایلامی‌ها هستند که اولین گروه قومی خارج شده از بین‌النهرین به سمت شرق دنیا بودند. در حالی که فارس‌ها در ابتدا در یک چرخه مهاجرت از بین‌النهرین به اروپا رفته و سپس در شمال دریای سیاه مدتهای زیادی در اروپا مقیم شده و بعدها به

* این شهر در اصل بوهارا نام داشته که چون آتشکده زرتشتی نوبهارا نام داشته، ترکان نیز بتخانه خود را بهارا نام داده بودند. (زرین کوب، ۲۳۰، ۴۹۵، ۴۰، و دهخدا، لغتنامه ماده سمرقند و بخارا و تاریخ خلافت شرقی،

صورت دسته‌های مادی و فارسی وارد سرزمین‌های جنوبی که بعداً ایران نامیده شده است، شده‌اند*

پایان سخن اینکه زبان عربی زبان دینی ماست چرا که کتاب آسمانی ما مسلمانان قرآن به زبان عربی است. زبان فارسی صرفاً زبان یک قوم نیست بلکه معرف فرهنگ مذهبی این ملت نیز هست چرا که شیخ محمد کلینی (رازی) اهل ری م ۳۲۹هـ، شیخ صدوق قمی م ۳۸۱هـ و شیخ طوسی (مشهدی) م ۴۶۰هـ بعنوان موسسان فرهنگ شیعه بعد از دوران زندگی امامان شیعه (ع)، هر سه فارس زبان بودند و به فارسی می‌نوشتند. رودکی م ۳۲۹هـ، کسایی (روزی) م ۳۹۴هـ، فردوسی طوسی م ۴۱۰هـ و ناصر خسرو بلخی م ۴۸۱هـ نیز در اوان تعریبی بودند که در عرصه فرهنگ و ادبیات، مبانی ادبی تشیع را به جهان عرضه کرده‌اند. ارزش کار این افراد زمانی مشخص می‌شود که اختناق شدید بنی عباس و غزنویان مله تشیع را در نظر بگیریم. هر چند شمشیر ترکان از زمان خلافت معتصم عباسی یعنی از ۲۱۸هـ که ترکان وارد عرصه نظامی در بغداد شدند، عامل قدرتمند بسط گسترش اسلام بود که بطور مثال امپراطور روم شرقی قدیم یا بیزانس که دشمن قدرتمند اسلام بود را در بصرایا، به کیه امروزی درهم شکستند. این خلاصه ماجرای دو قومی است که در منطقه شمال شرق ایران یعنی کشورهای ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان و تاجیکستان و افغانستان هزاران سال با هم

* کلمات مشترک مادی (تا حدودی کردی امروزی) و فارسی با لاتین یا اروپای قدیمی (همان انگلیسی امروزی) حکایت از این معنی دارد که بطور مثال پدر، مادر، برادر و دختر واژه‌های مشترکی‌اند که در هر سه قومیت وجود دارد که همسانی قومی این اقوام را اثبات می‌کند. چنانکه دو کلمه قدیمی ارض (earth) به معنی زمین و کهف (cave) به معنای غار نشان می‌دهد که این کلمات از واژه‌های آرامی قدیم بین‌النهرینی هستند که توسط اروپاییان مهاجر از بین‌النهرین به اروپا برده شده است و نشان می‌دهد که اروپاییان ابتدا در بین‌النهرین ساکن بوده‌اند.

همسایه بوده و هر دو نیز از آنجا کوچیده و داخل سرزمینهایی شده‌اند که امروز ایران نامیده می‌شود.

سیری در انباشت‌های فرهنگی و یافته‌های تاریخ قدیم در نژاد و زبان آذربایجانی‌ها نیز این نکته را اثبات می‌کند هر چند نظرات همه جغرافی‌دانهای قدیم که درباره خطه آذربایجان است و به نژاد و زبان مردم آذربایجان در سالهای بعد از شکست ساسانی‌ها و در دوره اسلامی پرداخته‌اند، نمی‌تواند ملاک تشخیص نژادی اهالی این منطقه در قبل از اسلام باشد. چرا که علم نژاد شناسی از علومی است که بعد از مهارت انسانها در شناخت پیشینه‌های باستانی از جمله کتیبه‌ها و اشیای به جا مانده، تکامل تدریجی یافته است؛ در حالی که در این دایره هیچ یک از این مورخان در زمینه دیرینه شناسی مهارت نداشته‌اند اما با این رجوع چون خودشان جهانگرد نیز بوده‌اند و آذربایجان و اهالی آن را از نزدیک دیده‌اند؛ اهمیت آنها را نشان دربار اهالی این منطقه بعد از اسلام در خور توجه می‌باشد. حتی در این میان همان علمای عصر حاضر نیز از این عیب دور نیستند؛ که با آن همه تحقیقات در زوایای تاریخی آذربایجان بعد از اسلام، نسبت به مباحث باستان شناسی و کتیبه خوانی تاریخ قدیم تاریخی انجام نداده‌اند. چنانچه می‌توان از آثار تمدنی به جا مانده از ترکان قدیم مثل کاشی، آوازه تغذیه و اسلحه و ابزار جنگی در ناحیه شمال و شمال شرق دریای خزر و شباهت‌های نظری این قوم با اقوام بین النهرین به ارتباطهای فرهنگی و تاریخی این قوم با دیگر اقوام دست یافت که تاکنون در این بخشها کار پژوهشی درخور انجام نگرفته است و آنچه وجود دارد درحد توصیف است.

در این میان باید توجه داشت که تاریخ و مدنیت منطقه آذربایجان با منطقه‌ای که امروز جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود، تفاوت‌هایی دارد که نباید مشابَهت اسمی خواننده را به اشتباه بیاندازد.